

**THE BOOK WAS
DRENCHED**

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_190318

UNIVERSAL
LIBRARY



انشارات دانشگاه تهران

۲۹۶

یازدهمین سال خلاصه‌نویس طوسی

سه گفتار خواجه طوسی

در باره چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعده

آفریده نشدن بسیار از یکی

یا

«الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum»

بکوشش

محمد قلی دانش پژوه

خرداد ۱۳۳۵

OUP 880-5-8-74--10,000

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No.

Accession No.

Author

Title

This book should be returned on or before the date last marked below



تصویر خواجه نصیر طوسی
(کار استاد هنرمند آقای ابوالحسن صدیقی)



اشارات دانشگاه تهران

۲۹۶

پانزدهمین سال خلاصه نصیر طوس

مقدمه گفتار خواجه طوسی

در باره چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعده

«آفریده نشدن بسیار از یکی»

یا

«الواحد لا یندر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum»

نکوش

محمد تقی دانش پژوه

خرداد ۱۳۳۵

فهرست مطالب ها

صفحه ۲	دباجه‌ای از چاپ کننده
۳ »	برسش طوسی از ابهری
۴ »	برسش طوسی از خسروشاهی
۵ »	یادی از یرسنس قونوی از طوسی
۵ »	سخن طوسی در شرح اشارات
۵ »	گفتار نخستین خواجه طوسی
۶ »	گفتار دوم خواجه طوسی
۱۳ »	گفتار سوم خواجه طوسی

دمکریس (ذی‌مقراطیس) میگوید که «یکی نشاید از دو پیدا شود چنانکه از یکی دو پدید نگردد»^۱.

ارسطو این سخن را از او دانسته و باز هم گفته است که «بهست یگانه جز هستی و یگانگی نپیوندد»^۲.

او و ابن رشد باز آشکارا از قاعده «آفریده نشدن بسیار از یکی» یاد کرده‌اند^۳.

فیلسوفان‌الثائی مانند زنون (Zenon) و شکاکان مانند انسیدموس Aenesidemus نیز چنین سخنی داشته‌اند.

پلوتینوس یا افلوپینوس شیخ یونانی در اثناذ یا تاسوعات (V.3.15,16) در این زمینه بخوبی کاوش نموده و در آغاز بند ۱۵ بخش ۳ تاسوع^۴ چنین گفت که «چگونه میشود که یک چیز ساده چند چیز بیافریند»^۴ در می‌مردهم ثئولوجیا که بنام اثولوجیا خوانده میشود و گزیده‌ایست از اثناذ و بدروغ از ارسطو پنداشته‌اند نیز از این قاعده یاد شده و در آغاز آن دارد «کیف یمكن ان یکون الاشياء من الواحد المبسوط الذی لیس فیہ ثنویة و لا کثرة بجهة من الجهات»^۵

-
- ۱- ارسطو در الهی B13.1039a این سخن را از او آورده است (ماوراءالطبیعه ابن رشد چاپ بوئری ص ۹۷۰ که دارد: لا یمكن ان یکون واحد من اثنين او اثنان من واحد - ترجمه فرانسوی تریکواز الهی ۱: ۲۹۴)
- ۲- الهی Z.4.1001a27 (تریکو ۱: ۹۸- ابن رشد ص ۲۶۲ که در این دوجا او ماناسخن ارسطو را درست دریافته است).
- ۳- الهی 30. 1069b3 آ. 2. (تریکو ۲: ۱۵۶- ابن رشد ص ۱۱۴۱-۱۱۴۸).

۴- ترجمه فرانسوی برهیه ۵: ۶۹-۷۲

۵- ص ۲۹۳ چاپ تهران در هاشم قیسات. نیز فهرست دانشگاه ۳: ۲۱۶

این قاعده برای نوپلاتونیان در زمینه مسئله آفرینش **Emanation** مایه دشواری و اشکال شده بود و آنها ناگزیر شدند که در این مسئله به ترتب در تکثر (**Gradual pluralization**) بگرایند^۱. پس این قاعده که بنوشته این رشتد، فارابی و ابن سینا و فیلسوفان متأخر از آن جانبداری کرده اند و برخی هم آنرا بدیهی پنداشته اند، با آفرینش اینهمه آفریدگان از خداوند سازگار نمی نماید، و ناگزیر باید ترتبی در رشته معلولات پنداشت و تصویر این ترتب هم چندان آسان و دور از خرده گیری نیست^۲ غزالی و امام رازی از کسانی هستند که در تباه نمودن این قاعده بسیار کوشیده اند. این بود که خواجه طوسی باین قاعده بسیار ارج مینهاد و همراه در جستجوی راهحلی برای آن بود تا بتواند بخرده ها که از آن گرفته اند و خود هم در تجرید و قواعد العقائد و فصول پیاره ای از آنها اشاره نموده است پاسخ گوید. در این زمینه او از اثیر الدین ابهری پرسیده است بدینگونه:

«اگر سبب صدور معلولات متکثره غیر مترتبه در سلسله ایجاد از علت اولی، وجود کثرتی که معلول اول را لازم است باشد، مانند وجود، و امکان، و تعقل خود، و مبدأ خود، چنانکه محصلان و متأخران نقل کرده اند، سخن

۱- بنگرید به: ترجمه انگلیسی تهافت التهافت ابن رشد از **Simon**

Van Den Bergh چاپ ۱۹۵۴ لندن ۲: ۶۳ و ۷۱

۲- برای این قاعده گذشته از شعا و اشارات و تعلیقات و نجات و دانشنامه و تحصیل بهمنیار و بیان الحق لوکری بنگرید به: تهافت غزالی و تهافت التهافت ابن رشد (مسئله سوم) - معتبر بغدادی ۱۴۸:۳ تا ۱۶۸- مباحث مشرقیه ۱: ۶۷۰ و ۲: ۵۰۱، و در ۱: ۴۶۶ است که ابن سینا در این باره می تازد - ملخص رازی و نقد طوسی ص ۱۰۵ و ۱۴۵ که از خرده گیریهای رازی در اینجا پاسخ گفته و از فیلسوفان جانبداری نموده است - قبسات داماد در قبس نهم ص ۲۲۸ که سخنان فیلسوفان در آن آمده است - اسفار شیرازی موقف نهم فن یکم مجلد سوم و کتبای دیگر او.

در کیفیت لزوم آن کثرت، در معلول اول، نه بر طریق ترتب (است). بانجوز صدور کثرت از واحد بسیط دفعة، یا اثبات مبدأ دگر غیر علت اولی، و عدم احتیاج غیر علت اولی بعلمت اولی در وجود، لازم آید. و بر طبق ترتب، لازم آید که معلول اول معلول اول نبود. و اگر بعضی از آن امور، عدمی فرض کنند، لازم آید که عدمیات مبادی اولی موجودات بوده باشد. پس سد باب اثبات وجود علت اولی لازم آید. اگر از آنجا که کرم فیاض است ببعضی از آن مضائق اسارت رود از آن کمال فضل بدیع نباشد» (ش ۸۷۱ گ ۱۵۹ ب و ش ۱۰۳۵ ص ۱۰۴ دانشگاه؛ ص ۳۸۱ جلد ۳ فهرست دانشگاه از نگارنده) گرچه ابهری گویا باین برشش پاسخی نداده است.

طوسی از سمس الدین خسروشاهی هم در همین زمینه پرسیده است بدینگونه :

«ان كان سبب صدور الكثير عن العلة الواحدة الاولى، كثرة في ذات المعلول الاول كالوجوب، و الامكان، و التعقل، على ما قيل؛ فمن اين جاءت الكثرة؟ ان صدرت عن العلة الاولى؛ فلا يخلو امان صدرت معا، و على ترتيب. فان صدرت معا؛ لم يكن سبب صدور الكثرة عن العلة الاولى، كثرة في ذات المعلول الاول؛ و ان صدرت على ترتيب؛ لم يكن المعلول الاول معلولا اولاً؛ و ان لم يصدر عن العلة الاولى؛ فمن الجائز ان يحصل كثرة من غير استناد الى العلة الاولى؛ و كلها محال. فما وجه النقصي عن هذه المضائق» (نسخه خطی دانشگاه ش ۱۰۳۰/۹ - هامش شرح هداية صدرای شیرازی ص ۳۸۵ - هامش مبدء و مآد صدرای شیرازی ص ۳۷۵).

خسروشاهی مانا بدو پاسخ نداد و در سده ۱۱ صدرای شیرازی وسید احمد عاملی در پاسخ او بروش فلسفی سخنانی گفته اند (ش ۱۰۳۰/۹ و ۱۰۷۹/۲۹ دانشگاه ص ۱۷۹ و ۱۸۹ فهرست نگارنده)

یکی از پرسشها که صدرالدین قونوی از خواجه طوسی کرده است هم همین مسئله است که چهارمین آنها است و او بروشی فلسفی با استدلال کیفی منطقی بدو پاسخ گفته است (ش ۶۸۱) ملک که جنگی است دارای رساله منطق افضل الدین کاشی و رساله های طوسی و دیگران - ش ۱۰۲۲/۹ دانشگاه ص ۱۸۷ فهرست).

طوسی در نمط ششم شرح اشارات نگارش صفر ۶۴۴ از همین مسئله کاوش نموده و دشواری آنرا از راه ریاضی و فلسفی برداشته است^۱ گذشته از اینها سه گفتار دیگر بهمین روش ریاضی از او در دست هست. نخست همانکه در نسخه ش ۴۸۱ کتابخانه ملک گ ۴۳ میبینیم بدینگونه: «ابضا فائدة اخرى له، ره! فی کیفیت صدور الکثرة عن المبدأ الواحد، مع القول: بان الواحد لا يصدر عنه الا الواحد: المبدأ الاول الواحد هو ا. المعلول الاول الصادر من ا و هو ب. معلول ا مع ب و هو ج.

۱- چنین است گفتار او در شرح اشارات :

«اذا فرضنا مبدا اول وليكن ا ؛ و صدر عنه شئ واحد وليكن ب ؛ فهو فی اولی مراتب معلولا له. ثم من الجائز ان يصدر عن ا بتوسط ب شئ وليكن ج ؛ و عن ب وحده شئ وليكن د ؛ فيصير فی ثانیة المراتب شيان لا تقدم لاحد هما علی الآخر. وان حوزنا ان يصدر عن ب بالنظر الى ا شئ آخر ؛ صار فی ثانیة المراتب ثلثة اشياء. ثم من الجائز ان يصدر عن ا بتوسط ج وحده شئ، و بتوسط د وحده ثان، و بتوسط ج د معاتالث، و بتوسط ب ج رابع، و بتوسط ب د معا خامس، و بتوسط ب ج د سادس ؛ و عن ب يتوسط ج سابع، و بتوسط د ثامن، و بتوسط ج د معاتاسع ؛ و عن ج وحده عاشر ؛ و عن د وحده حادی عشر ؛ و عن ج د معاتانی عشر ؛ و يكون هذا کلها فی ثالثة المراتب. ولو جوزنا ان يصدر عن السافل بالنظر الى ما فوقه شئ، و اعتبرنا الترتیب فی المتوسطات التي تكون فوق واحدة ؛ صار ما فی هذه المرتبة اضعافا مضاعفة. ثم اذا جاوزنا هذه المراتب؛ جاز وجود کثرة لا يحصى عددها فی مرتبة واحدة الى ما لا نهاية له. فبهكذا يمكن ان يصدر اشياء کثيرة فی مرتبة واحدة عن مبدا واحد.»

معلول ب و حده و هو د. ففي المرتبة الاولى من المعلومات واحد، و
 في المرتبة الثانية منها اثنان، وفي المرتبة الثالثة اثني عشر: معلول ج وحده
 وهو ه. معلول د وحده وهو و. معلول ج مع د وهو ز.
 معلول ب ج معا وهو ح. معلول ب د معا وهو ط. معلول ب
 ج د وهو ی. معلول ا ج معا وهو یا. معلول ا د معا وهو
 یب. معلول ا ج د معا وهو یج. معلول ا ب ج معا وهو
 ید. معلول ا ب د معا وهو ید. معلول ا ب ج د معا وهو
 یو. و اذا زدادت المراتب زاد عدد المعلومات التي تكون في مرتبة واحدة
 الى ما لا يتناهي. و ذلك ما اردناه».

دوم پاسخى استکه طوسی در همین زمینه پیرشش قاضی هرات
 گویا همان فاضی فخر الدین محمد بن عبدالله بیاری فاضی هرات داده است
 (سرگذشت طوسی از آفای مدرس رضوی ص ۲۶۲).

هاتان مسئلمان احدهما عن كيفية صدور الموجودات عن مبادها
 الاول الواحد تعالى ونايهما عن كيفية علمه بالجزئيات على رأى الحكماء
 والجواب عنهما من مخترعات مولانا سلطان الحكماء نصير الحق والدين
 الطوسی :

بسم الله الرحمن الرحيم .

الحمد لله حمد الشاكرين ؛ والصلوة على محمد وآله الطاهرين . بقول
 محرر هذه الاسطر ا حوج خلق الله اليه محمد بن محمد الطوسی : سالنى مولانا
 فاضى القضاة بهراة ملك العلما قدوة المحققين فخر الملة و الدين شمس
 الاسلام والمسلمين سيد الافاضل المتأخرين افضل الافاق ، ادام الله علوه
 و حرس مجده ، حين استسعدت لخدمته واستفدت من نتايج فكره وقر بحتة وذلك
 فى شهر سنة ست وستين وستمائة ، عن قول الحكماء فى كيفية صدور الموجودات

عن مبداها الاول وعن مذهبه في علمه تعالى الجزئيات. فان افادوا المصنفين فيهما مختلفه والاشكالات الواردة على كل قول منها متكررة و ما نقله العوام عنهم فيهما واشتهر بين الجمهور من رايهم المتعلق بهما ليس مما يرتضيه ادنى انظار المبتدئين، فضلا عن مدعى التحقيق في غوامض المسائل. فاردت ان اجيب عن سؤاله انقياداً لشارته؛ و ان كانت العوائق كثيرة، والشواغل مترامية، والخاطر مقسم، والذهن متودع، والزمان غير مساعد، والحال غير ملائم. حررت ما اقتضاه الوقت وحضر في الحال، راجيا ان اعود واكتب في اوان الفراغ، ذكررا وافيما بما طلبه و شرحا كافيا لما فصده، مستعينا بالله وحده مفيض العقل وملهم الصواب. فاقول: اما المطلوب (الاول)؛ فلنقدم له مقدمة، هي: ان كل كلمة مفترقة الى الواحد، بل الى الاحاد التي نلتهم عنها تلك الكثرة؛ فاذن هي محتاجة الى مبداء و الى مبادئ. فكل محتاج الى المبداء الاول، لا يصلح لان يكون اول المبادئ. فاذن المبدأ الاول لا يمكن ان يكون الا واحدا. والواحد بالحقيقة الذي يصلح لان يكون مبداء اولاً، لا يمكن ان يكون مشتملا على كثرة في ماهيته، ولان يكون معه كثرة خارجة عن ماهيته معتبرة في مبدائية. واذا كان شئ بهذه الصفة، فلا يمكن ان يقارنه صفات ولا اعتبارات مختلفة و لا اضافات ولا سلوب. فان جميع ذلك بتقدمه كثرة لا محالة. واذا تقررت هذه المقدمة؛ فاقول الواحد بالصفة المذكورة لا يمكن ان يصدر عنه الا واحد بلا اعتبار غير ذاته. لانه اذا صدر عنه شيان؛ كان اعتبار صدورهما عنه متغايرين، وحيثما صدر هما عنه مختلفين. فيكون معه اعتباران او حيثيتان؛ وقد فرضنا نفيهما. هذا خلف. و هذا معنى قول الحكماء لا يصدر عن الواحد باعتبار واحد الا واحد. اما اذا تكررت الاعتبارات الحيثيات وان كانت ذهنية او سلبية امكن صدور الكثرة عن الواحد بتلك الاعتبارات او الحيثيات. مثلا الصباغ اذا وجد ثوباد سما اشتغل بغسله؛ وان وجد به غير

دسم اشتغل بصبغه فیصیر وجودشی سببا لفعل غیر الفعل الاول. وابطضا النار الواحد یعمل تسوبدا فی الحطب، وتبسیضا فی الفحم و تسخیناً فی الماء، و تجفیفاً فی الطین؛ وکل ذلك الاختلاف لاختلاف المواد. و من اراد مسکناً؛ قصد بناء بیت ثم اراد للیت با باولالباب غلقاً و للعلق مادة و صانعا الی غیر ذلك. وانما یشتغل باتخاذ شی بعد شی لانضیاف تخیلات مرتبة الی قصده الاول. وبالجملة بوجد لذلك امثلة كثيرة. و اذا ظهر ذلك فاقول: اذا صدر عن المبدء الاول الواحد واحد فی المرتبة الاولى من مراتب الصدور؛ امکن ان یتکثر الاعتبارات فی المرتبة الثانية. مثلاً یحدث لكل واحد من المبدء والصادر اضافة الی الآخر، هی امر یعقل فی کل واحد منهما بالقیاس الی الآخر ویسلب عن الآخر، وهو یعقل تبری کل واحد منهما عن ان بدخل فی معقولة الآخر، و یحدث لهما اشتراك فی الوجود اعنی الکنون فی الاعیان، و امتیاز بینهما هو بامر زا یدعلی المشترك فی الصادر، و یقید المشترك بعدم انضمام شی الیه فی المبدء. و لاشک فی ان هذه الامور تعقلات متکثرة لازمة بعد صدور الصادر الاول عن المبدء الاول. و تلك الکثرة، وان لم تکن تصلح لان بکون مبادئ امور وجودية فی الاعیان؛ لكنها صالحة لان یصدر عن المبدء الاول بانضمام کل واحد منها الیه موجوداخر. وبهذا الوجه یمکن ان یصدر عن المبدء الاول کثرة. و لنوضح ذلك باراد مثال آخر. فلیکن المبدء الاول ا، و الصادر الاول ب ومن ا بتوسط، ب، ج؛ ومن ب بالنظر الی ا د ومن ب وحده ه. وهذه ثلاثة اشیاء فی المرتبة الثالثة من مراتب الصدور ثم لیصدر من ا ج معاً، و من ا و معاً ز، و من ا ه معاً ح، و من ا ب ج معاً ط، و من ا ب د معاً ی، و من ا ب ه معاً ک، و من ا ج د معاً ل، و من ا ب ج ه معاً م، و من ا ب د ه معاً

ن، ومن ا ب ج د ه معاً س، ومن ب ح معاً ع، ومن ب
د معاً ف، ومن ب ه معاً ص، ومن ب ج د معاً ق، ومن ب ج
ه معاً ر، ومن ب د ه معاً ش ومن ب ج د ه معاً ت، ومن ج وحده
ث و من د وحده خ ومن ه وحده ذ ومن ج د معاً ض
ومن ج ه معاً ظ ومن د ه معاً غ ومن ج د ه معاً لا
وهذه صورتها:

المرتبة الاولى من مراتب الموجودات : ا

المرتبة الثانية منها : ب

المرتبة الثالثة : ج د ه

المرتبة الرابعة: وزح طى ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش

ت ث خ ن ض ظ غ لا

فجميع ما يمكن ان يحصل فى المرتبة الرابعة من الموجودات
اربعة وعشرون و اذا جاوزت هذه المراتب صارت الصادر فى مرتبة
واحدة اكثر من ان نحصى . وقد ظهر من ذلك امكان صدور اشياء لا
نحصى كلها معافى مرتبة واحدة من المبدء الاول من غير تقدم البعض
على البعض .

والمنفول من الحكماء انهم قالوا: فى العقل الاول الصادر عن المبدء الاول
اربع جهات : وجود من الاول وامكان من ذاته وتعلق للاول وتعلق لذاته .
فصار بوجوده مبدء الصورة فلك وبامكانه مبدء لمادته، ويتعقله الاول مبدا
لعقل ثان، ويتعقله لذاته مبدء النفس هى نفس ذلك الفلك وانما اوردوا ذلك
على طريق التمثيل والتجوز لا على سبيل القطع والتحقيق . وفديلوح من ذلك
للمستبصر ما بيناه، فبين ان وجوده هو الذى من هذه الاربعة حصل من المبدء
الاول وحده؛ وهو بمنزلة قب فى مثالنا . واما امكانه فقد حصل من نسبة ما هيته

التي هي ما به يمتاز عن الاول ثم عن غيره الى وجوده. وهي اعنى الماهية هي التي تحصل فيما تحصل في المرتبة الثالثة منه بمنزلة هـ. واما الامكان فبمنزلة ص، واما تعقله للمبدء الاول فقد حصل منه بالنظر الى مبداء وهو بمنزلة و، واما تعقله لذاته فانما يتحقق ذلك بافاضة المبدء الاول عليه ذلك التعقل فهو بمنزلة ج. وقد بينا ان الاعتبارات العقلية والسلوب تصلح لان يصير المبدء الاول بانضمامها اليه مبدء لموجودات كثيرة. والحق الذي يقتضيه اصولهم: ان جميع الموجودات صادرة عن المبدء الاول وانما يصدر عنه باعتبارات هي امور معقولة او صافا كانت او اضافات او سلوبا. ومصدر الوجود ومنبع الكون هو لا غير. وانما وصف بالقادرة من حيث تعقله بالقياس الى مقدوراته، وبالعلمية من حيث تعقله بالقياس الى معلوماته وبالمرادية من حيث تعلق عنايته المخصوصة للطرف الخاص بالوجود من طرفي الامكان دون الطرف الاخير. وكذلك القول في ساير صفاته فهي لكونها امورا عقلية متاخرة عن الكثرة يكون متاخرة عن صدور الكثرة. وانصاف الواجب بالصفات الممكنة لا يثلم في واجيته. فهذا ما فهمته من مذهبهم في كيفية صدور الكثرة عن المبدء الاول الواحد الواجب لذاته تعالى وتقدس.

واما قولهم في العلم بالجزئيات، فاقول فيه اولان الاهم في هذا الباب تحقيق حقيقة العلم. وذلك يشتمل على اطناب مع مخالفة للمتقدمين منهم. وقد عرضت لشئ منه في شرح الاشارات في باب تحقيق علمه تعالى بغيره. فلنعرض عنه ههنا ونشتغل بالمسئلة ونقول: العلم بالجزئيات اعنى الشخصيات الزمانية والمكانية قد يكون على وجه كلي عقلي، وقد يكون على وجه جزئي حسي او خيالي. والاول يكون على طريق الاحاطة بجميع الزمان من الازل الى الابد، بما فيه من الاجزاء المفروضة وجميع المتزمنات

المقارنة لزمان زمان، وجميع النسب الواقعة بينهما في التقدم والتأخر، ومقادير تقدم كل واحد على كل واحد مما يكون بعده وتأخره مما يكون مثله على ما هو عليه في الوجود، وبجميع الامكنة السارية في الجهات وما تحويها تلك الامكنة من المتمكنات وجميع اوضاعها بنسبة البعض الى البعض في جهة من جهانه كال فوق والتحت والقدام والخلف واليمين واليسار وما يتركب منها، وعلى كيفية الاشارات الحسية من كل واحد الى كل واحد غير مقادير الامتدادات بينهما على ما هو الوجود. انما سمي كلياً؛ لان ذلك اذا عقل مع جميع هذه الاوصاف، غير مفيد بانها العلم بالموجودات الزمانية والمكانية التي في عالمنا هذا. يعنى ان ذلك التعقل هو تعقل كليات طبيعية؛ و انما بصير جزوية باقتراحها بقيدها بانها صورة هذا العالم. وهو كلية عقلية باقتراحها بتجوهر مطابقها لصور عوالم غير هذا العالم هي امثال هذا العالم. وعلمه تعالى من حيث صدورها عنه هكذا بخصصها باسرها فيصير جزوية بهذا الاعتبار. واما الوجه الثاني وهو العلم بالجزئيات على الوجه الجزوى الحسى او الخيالى؛ فقد يكون كعلم احدنا وهو في زمان بعينه بغيره، من حيث كون ذلك الغير في زمان آخر بعينه، قبل ذلك الزمان او بعده، مع العلم بمقدار ما بينها من العدة؛ وذلك امتداد زمانى بين متزمن و متزمن كانه اشارة منه الى ذلك الاخر اشارة خيالية، مع العلم بان احدهما يكون ماضيا او مستقبلا عند العالم بذلك العلم من حيث كونه في احد ذلك الزمانين؛ و كعلم احدنا وهو في مكان بعينه بغيره من حيث كونه في مكان آخر واقع في جهة بعينه للمكان الاول، على وجه يصح منه الاشارة الى ذلك الاخر. والاشارة اليه هي امتداد وضعى، من ذى وضع الى ذى وضع آخر كلى منه في جهة معينة. وعلمه تعالى لا يتعلق بالموجودات الزمانية والمكانية على هذا الوجه. لامتناع كون ذاته التي هي علة الازمنة والامكنة كلها في

زمان او مکان بعینها. و كما لا یصح ان یوصف بانه ذائق اوشام و لاس
لکونه غیر ذی آله جسمانیة؛ فکذلک لا یصح ان یوصف بانه عالم بالجزئیات
علی وجه جزوی. فان ذلک تقتضی کون العالم بها واقعاً فی زمان و مکان
بعینها. حتی یصح منه ان یشیر الی غیره. فما هو فی زمان و مکان، غیر زمانه
و مکانه؛ و یکون اشاریه امتداد آمنه الیه خیالیا و احسیا. و ان نعسر علی من
یرید ان یفهم ذلک، تصور موجود لافیه زمان و مکان؛ فلیعتبر الحکم بان
الواحد نصف الاثنین، من حیث امتناع اختصاصه بمکان او زمان متعینین.
فانه لا یجوز ان یقال ان الواحد نصف الاثنین فی هذه السنة او فی هذه البلدة
ولا فی غیرهما من الازمنة و الامکنه. فلیتأمل ان مثل هذ الحکم الذی
یحتاج الی شئی یتصور بهذا العلم فی نفس الامر، لا یمكن ان یختص بزمان
او مکان متعین؛ فكیف یجوز ان یخص المتصور به بهما؛ و کیف تختص مبدع
الازمنة و الازمنة بزمان او مکان هما متأخران عنه فی الوجود بمراتب کثیرة.
واذ بمتنع اختصاصه بالازمنة و الامکنه المتعینة؛ فكیف یتصور الاشارة منه
الی زمان او مکان متعینین. و اذا عرفت ذلک من طریق العقل، و صدقت به؛
فان ابی و همک توهم ذلک، فعلیک ان لا تقترح فی الحکم العقلی، بسبب امتناع
الوهم عن قبول حکم لیس من شأنه ان یحکم به. و لنورد لذلك مثالا، و ان
کان بعیدا عنه، و هو ان یفرض سجلا مکتوبا، یشتمل کتابته علی سطور،
فیها کلمات متألفة من حروف؛ فالعالم بجمیع ما فی السجل من السطور و
الکتاب و الحروف دفعة، بکون عالماً بما فیہ علی وجهه. و الناظر فیہ الذی
ینتقل نظره من سطر الی سطر بل من کلمة الی کلمة و من حرف الی حرف،
بحیث یکون بعض السطور و الکلمات و الحروف ما مر علیه و بعضهما ما
سیر علیه من بعد؛ یکون عالماً بما فیہ علی وجه جزوی، مشتمل علی ما
خرج الی الفعل، و علی ما هو بالقوة بعد. فلیتأمل فیہ و لیحکم بما یقضیه العقل

الصريح، دون الوهم و الخيال انشاء الله. فهذا ما فهمته من قولهم علم المبدء الاول با لجزئيات، نكون على وجه كلي، لاعلى وجه جزوى زمانى، وذلك ما اردت ايراده، فى جواب سئوالى مولانا العالم المحقق فخر الملة والدين شمس الاسلام والمسلمين قدوة العلماء المحققين سيدافاضل المتأخرين قاضى القضاة، ادام الله علوه وحرس مجده. فان طابق مراده فهو المطلوب؛ وان توقف فى شئ من ذلك اعاد بفضل ذلك الموضع، لاوضح ما عندى فيه انشاء الله تعالى وهو ولى التوفيق و الملهم للصواب منه المبدء واليه المآب—فرغ من كتابة مسودته فى ذى القعدة سنة ستة وستين وستمائة هجرية حامدا و مصليا مسلماً و داعيا ومستغفرا (از روى نسخه ش ١٠٧٩/٤ دانشگاه - ص ١٨٧ فهرست-نسخه ملك ش ٤٦٨١ گ ٥٣ الف - ٥٤ الف نقل از خط طوسی بدو واسطه)

سوم رساله «علل و معلولات» كه در آن هم بروش رضى رفته و موشكافى بيشترى كرده است :

هذه رسالة اخترعها المولى السعيد المحقق العلامة افضل المتأخرين نصير الحق و الدين الطوسى، رحمه الله فى العلل و المعلولات .

بسم الله الرحمن الرحيم . مسئله :

قالت الحكماء: «المبدأ الاول لجميع الموجودات واحد ، تعالى ذكره ، وان الواحد لا يصدر عنه الا واحد »

قيل لهم : فان كان هكذا؛ وجب ان يكون معلولاته ، واحدا بعد واحد، متسلسلة الى المعلوم الآخر ؛ وحيث لا يمكن ان يوجد شيان الاو بكون احدهما عللة للآخر ، بوسط او بغير وسط .

قالوا انما قلنا : ان الواحد لا يصدر عنه من جهة واحدة الا واحد . اما اذا تكررت الجهات فقد يصدر عنه من تلك الجهات كثرة ؛ ولا يكون ذلك

مناقضا لقولنا : «لا يصدر عنه الا واحد» .

قالوا : و المعلول الاول الذى هو عقل اول فيه جهات كثيرة :
احديها وجوده الصادر عن المبدأ الاول ، والثانى ماهيته التى يقتضيها غيريته
للاول ، والثالث علمه بالاول ، والرابع علمه بذاته ،

قالوا : ويمكن ان يصدر عنه من هذه الجهات اربعة اشياء : عقل ثانى ؛
وهيولى ؛ و صورة ، يتركب عنهما فلك هو اعظم الافلاك ؛ ونفس تدبر
ذلك الفلك و تحركه . ثم يصدر عن ذلك العقل عقل ، وفلك ، ونفس ؛
وهكذا الى ان بصير العقول عشرة ، و الافلاك تسعة ؛ و يصدر عن العقل
الآخر هيولى عالم الكون و الفساد ، والصور المتعاقبة فيها على تفصيل
ذكره .

قيل لهم : هذه الجهات التى فى العقل الاول ان كانت موجودات
متغايرة ؛ فقد صدر عن المبدأ الاول كثرة ؛ وان لم تكن موجودات ؛ فكيف
يعقل صدور اشياء ، عن شئ واحد ، من جهات لا وجود لها . ثم انكم تقولون :
ان الافلاك ، وفيها كواكب ثابتة لا تحصى (و) كواكب سیارة ؛ فجميع هذه
من ابن جاء وما عللها . وطال النزاع بين الفريقين كما هو المشهور بين
النظار .

اقول : ويمكن ان يصدر عن المبدأ الاول ، على قواعد الحكماء ، كثرة
غير مترتبة بوسائط قليلة ؛ ولا يكون مبدء كل معلول العلة موجودة ؛
بانفرادها ، غير امر اعتبارى او جهة لا وجود (لها) بانفراد . فليكن المبدأ
الاول : ا ، ومعلوله الاولى : ب ، و هو فى اول مراتب المعلولات . ثم
ليصدر عن ا مع ب ، ج ، و عن ب وحده د ، فهما فى ثانية مراتبها و هما
معلولان غير مترتبين اى ليس احدهما علة للآخر . و مجموع المعلولات
مع العلة الاولى اربعة : ا ب ج د ؛ ولنسمها بالمبادئ . وازدواجاتها الثنائية
ستهى : ا ب ، ا ج ، ا د ، ب ج ، ب د ، ج د . والثلاثية اربع : ا ب ج ،

ابد ، ا ج د ، ب ج د . والرابعة واحدة ، هي : مجموع ا ب ج د . والجميع خمسة عشر . و يمكن ان بصدر عن كل واحد من هذه ، مفردة كانت او مزدوجة ، معلول ؛ الامن ا وحده و من ب وحده و من اب معا ؛ فان معلولات هذه الثلاثة مذكورة في المرتبتين الاولى والثانية . وبقي اثنا عشر ، منها اثنان فرادى هما : ج و د ، و خمسة ثنائية ، و اربعة ثلاثية ، و واحد رباعي ؛ و معلولاتها اثنا عشر ، وهي في ثلاثة مراتب المعلولات من غير ان يتوسط البعض في صدور البعض . ثم في المرتبة الرابعة يحصل معلولات ، يزيد عدتها على خمسة وستين الفا . ولتقدم على بيان ذلك مقدمة ، هي ان نقول : اذا اعتبرنا في الاثنا عشر الافراد ، والازدواج ثنائية و ثلاثية ، و مازاد عليها الى اثني عشر ؛ حصل لنا اربعة الاف و مائتان وخمسة وتسعون عددا ؛ منها احاد الافراد : ١٢ ، وحاصل الثنائيات : ٦٦ ، و حاصل الثلاثيات : ٢٢٠ و حاصل الرباعيات : ٤٩٥ ، و حاصل الخماسيات : ٧٩٣ ، و حاصل السداسيات : ٩٢٤ و السباعيات مثل الخماسيات ، اذ فيها ترك خمسة من الاعداد الاثني عشر كما ان في الخماسيات اخذ خمسة ؛ وكذلك الثمانية مثل الرباعيات ؛ والتساعيات مثل الثلاثيات ؛ والعشاريات مثل الثنائيات ؛ والاحد عشريات مثل الافراد ؛ واثنا عشرى واحد لا غير . ولنضع لبيان ذلك الاثنى عشر وهي : ه و ز ح ط ي ا ب ج د ي ه بو ؛ فظاهر ان افرادها اثنا عشر فقط ، وان ثنائياتها تجعل من انضمام ه مع كل واحد مما عدا ه و واحد عشر ، ثم من انضمام و مع كل واحد مما بعده وهو عشرة ، وهكذا فيما بعد . و المجموع يحصل من جميع الاعداد المتوالية من واحد الى احد عشر وهو ستة وستون لا غير وهي حاصل الثنائيات . واما الثلاثيات ، فيحصل من انضمام ه مع و وهما مع واحد واحد من الباقية وهي عشرة ، ثم من انضمام ه مع د وهما مع واحد واحد و احدهما ، وهي تسعة ؛ وهكذا الى ان

بتم الاعداد و يحصل عدد مركب من الواحد الى العشرة على التوالي وهو خمسة و خمسون يكون ه احدا جزاء جميعها ، ثم يخلى عن ه و يعتبر مع ز وهما مع واحد واحد من الباقية يحصل تسعة ومن اعتبار مع ح وهما مع واحد واحد مما بعد هما يحصل ثمانية ؛ وهكذا الى الآخر و يحصل عدد يتركب من الواحد الى التسعة على التوالي و هو خمسة و اربعون . و على هذا القياس يعتبر مما بعد و و يحصل لنا اعداد مركبة من الواحد الى الثمانية ومن الواحد الى السبعة الى ان ينتهى الى الواحد وحده ؛ ويكون الاعداد جميعها هذه : نه ، لو كج ، كا ، به ، ي ، و ، ج ، ا ؛ ومجموعها ٢٠ و ذلك هو حاصل التلايات . و اما الرباعيات فيكون في الاعتبار الاول ه وزمع واحد واحد من التسعة الباقية ؛ تم اعتبار ه ومع اثنتين انبتن مما بعدهما ؛ ثم اعتباره مع ثلثة ثلثة يحصل ما يجتمع من الواحد منضما الى الاعداد المتوالية التي بعدها الى تسعة ، ثم منه الى ثمانية ، ثم منه الى سبعة ، و هكذا الى الواحد وحده و يحصل من الجميع هذه الاعداد : قك ، قك : مد ، نو ، له ، ك ، ي ، د ، ا ؛ و مجموعها : ٤٩٥ ؛ و ذلك هو حاصل الرباعيات . وعلى هذا القياس بعمل في طلب الازدواجات الخماسية ؛ و يحصل هذه الاعداد متوالية في آخر العمل : شل ، ري ، فكو ع ، له ، به ، ه ، ا ؛ و مجموعها : ٧٩٢ ؛ و هو حاصل الخماسيات . و بعمل ايضا في طلب الازدواجات السادسة مثل ذلك فيحصل هذه الاعداد : قست ، رنب ، فكو ، نو ، كا ، و ، ا ؛ و مجموعها : ٩٢٤ ؛ و هو حاصل السادسةيات . و قد ذكرنا ان السباعيات يكون مثل الخماسيات ؛ و الثمانية مثل الرباعيات ؛ و التساعيات مثل الثلاثيات ؛ و العشاريات مثل الثنائيات ؛ و الاحد عشريات مثل الافراد ، و الاثنا عشرى و احدا لغير ؛ والمجموع ما ذكرناه من العدد .

فهذا ما اردت تقديمه ؛ ولنعد الى المقصود ؛ فنقول : اذا اعتبرنا

المبادئ الاربعة المذكورة مع الاثنى عشر التى فى المرتبة الثالثة ، افراداً او ثنائيات و ثلاثيات ، الى الستة عشر التى هى المجموع ؛ حصل تركيبات كثيرة عمدتھما ذكرنا . اما اعتبار الاحاد فرادى فلا يزيد على ١٢ هى معلومات العدد الذى فى المرتبة الثالثة ؛ لان المبادئ لا يجوز ان يصير مرة اخرى مبادئ لشئ من المعلومات .

و اما الثنائيات ، فحاصلها فى اعتبار الاننى عشر ستة وستون كما مر ؛ وبحصل من انضمام كل واحد من المبادئ مع واحد واحد من الاننى عشر ، ما يحصل فى ضرب اربعة فى اننى عشر وهو ثمانية و اربعون والجميع ١١٤ لا مزيد علميه .

واما الثلاثيات ، فحاصل الثلاثيات الاننى عشرية ٢٢٠ ؛ والحاصل من انضمام كل واحد من المبادئ الى واحد واحد من حاصل الثنائيات الاثنى عشرية ، ما يحصل من ضرب اربعة فى ستة وستين وهو مائتان و اربعة وستون ؛ ومن انضمام كل اثنين من المبادئ الى كل واحد من الاننى عشر ، ما يحصل من ضرب ستة فى اننى عشر وهو اثنان وسبعون ؛ والمجموع ٥٥٦ لا مزيد عليه .

و اما الرباعيات ، فحاصل الرباعيات الاننى عشرية اربعمائة وخمسة وتسعون ؛ والحاصل من انضمام كل واحد من المبادئ الى حاصل الثلاثيات الذى هو مائتان وعشرون ، ما يحصل من ضرب اربعة فيه وهو ثمانمائة وثمانون ؛ ومن انضمام كل اثنتين من المبادئ الى حاصل الثنائيات الذى هو ستة وستون ، ما يحصل من ضرب ستة فيه وهو ثلثمائة وستة وتسعون ؛ ومن انضمام ثلاثة من المبادئ الى حاصل الافراد وهو اثناعشر ، ما يحصل من ضرب اربعة فيه وهو ثمانية و اربعون والمجموع ١٨١٩ لا يزيد .

واما الخماسيات ، فحاصلها الاثنا عشرى سبعمائة و اثنان وتسعون ؛

والحاصل من انضمام كل واحد من المبادئ الى حاصل الرباعيات ، ما يحصل من ضرب اربعة في اربعمائة وخمسة وتسعين وهوالف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن انضمام كل اثنتين منها الى حاصل الثلاثيات ، ما يحصل من ضرب ستة في مائتين وعشرين وهوالف و لثمائة وعشرون ؛ ومن انضمام كل ثلاثة منها الى حاصل الثنائيات ، ما يحصل من ضرب اربعة في ستة وستين وهومائتان و اربعة وستون ؛ ومن انضمام المبادئ الاربعة الى حاصل الافراد ما يحصل من ضرب واحد في اثني عشر والمجموع ٤٣٦٨ .

و اما السداسيات فحاصلها الاثنا عشرى تسعمائة و اربعة وعشرون و من انضمام واحد واحد من المبادئ الى حاصل الخماسيات ثلثة آلاف ومائة و ثمانيه وستون ؛ و من اثنين اثنين الى حاصل الرباعيات اثنان و تسعمائة و سبعون ؛ و من ثلثة ثلثة الى حاصل الثلاثيات ثمانمائة و ثمانون ؛ ومن الاربعة الى حاصل الثنائيات سنة وستون و المجموع ٨٠٠٨

واما السباعيات ، فحاصلها الاثنا عشرى سبعمائة و اثنان و تسعون ؛ والحاصل من انضمام احاد المبادئ الى حاصل السداسيات ثلثة الاف وستمائة وستة و تسعون ؛ ومن انضمام ثنائياتها الى حاصل الخماسيات اربعة الاف وسبعمائة و اثنان و خمسون ؛ و من ثلاثياتها الى حاصل الرباعيات الف و تسعمائة و ثمانون ؛ ومن اربعتها الى حاصل الثلاثيات مائتان و عشرون و المجموع ١١٤٤٠ .

و اما الثمانيات ، فحاصلها الاثنا عشرى اربعمائة وخمسة و تسعون ؛ والحاصل من احاد المبادئ مع حاصل السباعيات ثلثة الاف و مائة و ثمانية وستون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل السداسيات خمسة الاف وخمسمائة و اربعة و اربعون ؛ و من ثلاثياتها مع حاصل الخماسيات ثلثة الاف ومائة و ثمانية وستون ؛ ومن اربعتها مع حاصل الرباعيات اربعمائة وخمسة و تسعون والمجموع

يكون ١٢٨٧٠

و اما التساعيات ، فحصلها الاثنا عشرى مائتان وعشرون ؛ والحاصل من آحاد المبادى مع حاصل الثمانيات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل السباعيات اربعة الاف وسبعمائة واثنان و خمسون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل السداسيات ثلثة الاف و ستمائة و ستة و تسعون ؛ ومن اربعتها فى حاصل الخماسيات سبعمائة واثنان و تسعون والمجموع ١١٤٤٠

و اما العشاريات ، فحصلها الاثنا عشرى ستة وستون ؛ والحاصل من احاد المبادى مع حاصل التساعيات ثمانمائة و ثمانون ؛ و من ثنائياتها مع حاصل الثمانيات الفان و تسعمائة و سبعون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل السباعيات ثلثة آلاف ومائة و نمانية وستون ؛ ومن اربعتها مع حاصل السداسيات تسعمائة و اربعة و عشرون والمجموع ٨٠٠٨

و اما الاحد عشر بات ، فحصلها الاثنا عشرى اثناعشر و الحاصل من آحاد المبادى مع حاصل العشاريات مائتان و اربعة وستون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل التساعيات الف و ثلثمائة وعشرون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الثمانيات الف و تسعمائة و ثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل السباعيات سبعمائة واثنان و تسعون والمجموع ٤٣٦٨

و اما الاثنا عشر بات ، فحصلها الاثنى عشرى واحد ؛ والحاصل من احاد المبادى مع حاصل الاحد عشريات ثمانية واربعون ؛ ومن ثنائياتها مع حاصل العشاريات ثلثمائة وستة و تسعون ؛ و من ثلاثياتها مع حاصل التساعيات ثمانمائة و ثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل الثمانيات اربعمائة وخمسة و تسعون والمجموع ١٨٢٠ و اما الثلثة عشريات ، فليس لها حاصل اثنى عشرى ؛ و الحاصل من احاد المبادى مع حاصل الاثنا عشرى اربعة ؛ و من ثنائياتها مع حاصل الاحد عشريات اثنان و سبعون ؛ و من ثلاثياتها مع حاصل العشاريات ثلثمائة و ستة و تسعون ؛ و من اربعتها مع حاصل التساعيات مائتان وعشرون والمجموع ٢٩٢

و اما الاربعة عشر بات ، فليس لها حاصل اثنا عشرى ، ولا حاصل مع احاد المبادى ؛ والحاصل من ثنائيات المبادى مع الحاصل من الاثنى عشرى ستة ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الاحد عشر بات ثمانمائة و اربعون ، و من اربعتها مع حاصل العشار بات ستة وستون والمجموع ۱۲۰

واما الخمسة عشر بات ، فليس لها حاصل اثنا عشرى ، ولا حاصل مع آحاد المبادى و ثنائياتها ؛ والحاصل من ثلاثياتها مع الحاصل الاثنا عشرى اربعة ؛ و من اربعتها مع حاصل الاحد عشر بات اثنا عشر والمجموع ۱۶ .
و اما الستة عشرية فواحد لا غير .

و اذن حصل لنا من هذه الازدواجات هذه الاعداد : الافراد : ۱۲ ؛
الثنائيات : ۱۱۴ ؛ الثلاثيات : ۵۵۶ ؛ الرباعيات : ۱۸۱۹ ؛ الخماسيات : ۴۳۶۸ ؛
السداسيات : ۸۰۰۸ ، السباعيات : ۱۱۴۴۰ ؛ الثمانيات : ۱۲۸۷۰ ؛ التساعيات : ۱۱۴۴۰ ،
العشار بات : ۸۰۰۸ ؛ الاحد عشر بات : ۴۳۶۸ ؛ الاثنا عشر بات : ۱۸۲۰ ؛
الثلاثة عشر بات : ۶۹۲ ؛ الاربعة عشر بات : ۱۲۰ ؛ الخمسة عشر بات : ۶۱ ؛
الستة عشرى : ۱ ؛ والمجموع الحاصل من ذلك خمسة وستون الفا وستمائة واثنان و خمسون عدداً هي اعداد المعلولات التى يمكن ان يقع فى الدرجة الرابعة للمعلولات من عند المبدأ الاول من غير توسط البعض للبعض ومن غير تأثير الاعتبارات والجهات التى لا توجد بالاستقلال . وان اعتبر ما بعد هذه المرتبة ،
وعندما يقع فيها ؛ صارت الاعداد عسره الانضباط ، لكثرتها . و قد نبين من ذلك امكان صدور الكثرة التى لا ينحصر من المبدأ الاول ، على شريطة ان لا يصدر من واحد الا واحد ، من غير ان يكون المعلولات متسلسلة . وذلك ما اردت بيانه فى هذه المسئلة . والله اعلم بالصواب (از روى نسخه ش ۱۲/۱۰۷۹ دانشگاه ص ۳۰۵ فهرست)

در روضه التسليم كه از خواجه طوسى پنداشته اند هم در تصور دوم

و بویژه سوم از قاعده «لا یصدر عن الواحد الا الواحد» کاوش سده ولی سخنان درست و استوار در آن نیامده است. در کشف المحجوب سجستانی و راحة العقل کرمانی و زاد المسافرین ناصر خسرو و گشایش و رهایش و روشنائی نامه او یادی از آن نگشته مگر اینکه قبادانی در صف بیست و هفتم خوان اخوان (ص ۷۵) می نویسد: «علت همه بودها کلمه باری سبحانه است و آن کلمه یکیست و معلول او بحقیقت بی هیچ میانجی یکی لازم آید نا با میانجی آن یک معلول دیگر معلولات پدید آند». در جامع الحکمتین هم (ص ۱۴۵) و شرح قصیده ابوالهیثم از محمد بن سرخ نیشابوری (ص ۳۶) هم میتوان سخنانی در این زمینه یافت.

در کتابخانه دانشگاه (ش ۲/ ۸۸۰ - ص ۳۹۷ فهرست نگارنده) رساله ای است درباره قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» و بسیار سودمند میباشد. این بود آنچه از خواجه طوسی در این زمینه در دسترس دانسته و در اینجا آورده ام و چنین بود آگاهی نگارنده از این قاعده فلسفی.

محمد تقی دانش پژوه

اردی بهشت ۱۳۳۵

انتشارات دانشگاه تهران

- ۱ - وراثت (۱) تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲ - A Strain Theory of Matter « « محمود حسابی
- ۳ - آراء فلاسفه در باره عادت ترجمه « برزو سپهری
- ۴ - کالبدشناسی هنری تألیف « نعمت‌الله کیهانی
- ۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم تصحیح سعید نفیسی
- ۶ - بیماریهای دندان تألیف دکتر محمود سیاسی
- ۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها « « سرهنگ شمس
- ۸ - حماسه سرایی در ایران « « ذبیح‌الله صفا
- ۹ - مز دیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی « « محمد معین
- ۱۰ - نقشه برداری جلد دوم « مهندس حسن شمسی
- ۱۱ - گیاه شناسی « حسین گل‌گلاب
- ۱۲ - اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی تصحیح مدرس رضوی
- ۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول تألیف دکتر حسن ستوده تهرانی
- ۱۴ - روش تجزیه « « علی‌اکبر پرین
- ۱۵ - تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان مرام آورده دکتر مهدی بیانی
- ۱۶ - حقوق اساسی تألیف دکتر قاسم زاده
- ۱۷ - فقه و تجارت « زین‌العابدین ذوالعبدین
- ۱۸ - راهنمای دانشگاه —
- ۱۹ - مقررات دانشگاه —
- ۲۰ - درختان جنگلی ایران « مهندس حبیب‌الله نابوی
- ۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی —
- ۲۲ - راهنمای دانشگاه بفرانسه «
- ۲۳ - Les Espaces Normaux
- ۲۴ - موسیقی دوره ساسانی
- ۲۵ - حماسه ملی ایران
- ۲۶ - زیست شناسی (۲) بحث در نظریه لامارک
- ۲۷ - هندسه تحلیلی
- ۲۸ - اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول
- ۲۹ - اصول گداز و استخراج فلزات « دوم
- ۳۰ - اصول گداز و استخراج فلزات « سوم
- ۳۱ - ریاضیات در شیمی
- ۳۲ - جنگل شناسی جلد اول
- ۳۳ - اصول آموزش و پرورش
- ۳۴ - فیزیولوژی گیاهی جلد اول

۳۵- جبر و آنالیز

۳۶- گزارش سفر هند

۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی

۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین

۳۹- واژه نامه طبری

۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی

۴۱- تاریخ اسلام

۴۲- جانورشناسی عمومی

۴۳- Les Connexions Normales

۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی

نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی

« « غلامحسین صدیقی

« « پرویز نائل خانلری

« « مهدی بهرامی

« « صادق کیا

« « عیسی بهنام

« « دکتر فیاض

« « فاطمی

« « هشنودی

« « دکتر امیراعلم - دکتر حکیم

دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی

نگارش دکتر مهدی جلالی

« « آ. وارثانی

« « زین العابدین ذوالمجدین

« « دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگو

« « ناصر انصاری

« « افشلی پور

« « احمد بیرشک

« « دکتر محمدی

« « آزر

« « نجم آبادی

« « صفوی گلپایگانی

« « آهی

« « زاهدی

« « دکتر فتح الله امیر هوشمند

« « علی اکبر برهین

« « مهندس سعیدی

ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک زاده

تألیف دکتر محمود کیهان

« « مهندس گوهریان

« « مهندس میردامادی

« « دکتر آرمین

« « کمال جناب

تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم -

دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس

تألیف دکتر عطائی

« « «

« « مهندس حبیب الله ثابتی

« « دکتر گاکیک

« « علی اصغر پورهمایون

۴۵- روان شناسی کودک

۴۶- اصول شیمی پزشکی

۴۷- ترجمه و شرح تبصرة علامه جلد اول

۴۸- اکوستیک (صوت) (۱) ارتعاشات - سرعت

۴۹- انگل شناسی

۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط

۵۱- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی

۵۲- درس اللغة و الادب (۱)

۵۳- جانور شناسی سیستماتیک

۵۴- پزشکی عملی

۵۵- روش تهیه مواد آلی

۵۶- ماهمانی

۵۷- فیزیولوژی گیاهی جلد دوم

۵۸- فلسفه آموزش و پرورش

۵۹- شیمی تجزیه

۶۰- شیمی عمومی

۶۱- امیل

۶۲- اصول علم اقتصاد

۶۳- مقاومت مصالح

۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر

۶۵- آسیب شناسی

۶۶- مکانیک فیزیک

۶۷- کالبد شناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی

۶۸- درمان شناسی جلد اول

۶۹- درمان شناسی « دوم

۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات

۷۱- شیمی آنالیتیک

۷۲- اقتصاد جلد اول

۷۳- دیوان سید حسن غزنوی

۷۴- راهنمای دانشجویان

۷۵- اقتصاد اجتماعی

۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم

۷۷- زیبا شناسی

۷۸- تئوری سنتیک گازها

۷۹- کارآموزی داروسازی

۸۰- قوانین دامپزشکی

۸۱- جنگل‌شناسی جلد دوم

۸۲- استقلال آمریکا

۸۳- کنجکاویهای علمی و ادبی

۸۴- ادوار فقه

۸۵- دینامیک گازها

۸۶- آئین دادرسی در اسلام

۸۷- ادبیات فرانسه

۸۸- از سرین تا یونسکو - دو ماه در پاریس

۸۹- حقوق تطبیقی

۹۰- میکروپشناسی جلد اول

۹۱- میز راه جلد اول

۹۲- « « دوم

۹۳- کالبد شکافی (تشریح علمی دست و پا)

۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم

۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۳) - عضله شناسی

۹۶- « « (۴) - رگ شناسی

۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول

۹۸- هندسه تحلیلی

۹۹- جبر و آنالیز

۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)

۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب

۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی

۱۰۳- آرمایش و تصفیه آبها

۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی

۱۰۵- فیه مافیه

۱۰۶- جغرافیای اقتصادی جلد اول

۱۰۷- الکتروسیته و موارد استعمال آن

۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه

۱۰۹- تلخیص بیان عن مجازات القرآن

۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر

۱۱۱- شیمی آلی جلد اول تئوری و اصول کلی

۱۱۲- شیمی آلی «ارماتیک» جلد اول

بتصحیح مدرس رضوی

—

تألیف دکتر شیدفر

« « حسن ستوده تهرانی

« « علینقی وزیری

« « دکتر روشن

« « جنیدی

« « میمنندی نواد

« « مرحوم مهندس ساعی

« « دکتر مجیر شیبانی

—

« « محمود شهابی

« « دکتر غفاری

« « محمد سنگلجی

« « دکتر سپهبدی

« « علی اکبر سیاسی

« « حسن افشار

تألیف دکتر سهراب - دکتر میر دامادی

« « حسین گلژی

« « « «

« « نعمت‌الله کیهانی

« « زین‌العابدین ذوالمجدین

« « دکتر امیراعلم - دکتر حکیم

دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک‌نفر

« « « «

تألیف دکتر جمشیداعلم

« « کامکار پارس

« « « «

« « بیانی

« « میر بابائی

« « محسن عزیزی

نگارش دکتر محمد جواد جنیدی

« « نصرالله فلسفی

« « بدیع‌الزمان فروزانفر

« « دکتر محسن عزیزی

« « مهندس عبدالله ریاضی

« « دکتر اسمعیل زاهدی

« « سید محمد باقر سبزواری

« « محمود شهابی

« « دکتر عابدی

« « شیخ

- ۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص
- ۱۱۴- امراض خلق و بینی و حنجره
- ۱۱۵- نالیز ریاضی
- ۱۱۶- هندسه تحلیلی
- ۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم
- ۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی
- ۱۱۹- اساس اتوچید
- ۱۲۰- فیزیک پزشکی
- ۱۲۱- اکوستیک صوت (۲) منخصص صوت - لوله - تار
- ۱۲۲- جراحی فوری اطفال
- ۱۲۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)
- ۱۲۴- چشم پزشکی جلد اول
- ۱۲۵- شیمی فیزیک
- ۱۲۶- بیماریهای گیاه
- ۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی
- ۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق
- ۱۲۹- تاریخ کشاورزی
- ۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن
- ۱۳۱- امراض واگیر دام
- ۱۳۲- درس اللغة والادب (۲)
- ۱۳۳- واژه نامه گرمانی
- ۱۳۴- اک یاخته شناسی
- ۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)
- ۱۳۶- عضله و زیبایی بالستیک
- ۱۳۷- طیف جذبی و اشعه ایکس
- ۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی
- ۱۳۹- روان شناسی (از لحاظ تربیت)
- ۱۴۰- ترمودینامیک (۱)
- ۱۴۱- بهداشت روستائی
- ۱۴۲- زمین شناسی
- ۱۴۳- مکانیک عمومی
- ۱۴۴- فیزیولوژی جلد اول
- ۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی
- ۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جلد اول
- ۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول
- سلسله اعصاب محیطی
- ۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم
- سلسله اعصاب مرکزی
- ۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه
- ۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)
- ۱۵۱- اندام شناسی گیاهان
- نگارش مهدی قشقه
- دکتر علیم مروستی
- منوچهر وصال
- احمد عقلی
- امیر کیا
- مهندس شیبانی
- مهدی آشتیانی
- دکتر فرهاد
- اسمعیل یگی
- مرعشی
- علیق منوی نهرانی
- دکتر ضرابی
- بازرگان
- خبری
- سپهری
- زین العابدین ذوالمجدین
- دکتر تقی بهرامی
- حکیم و دکتر گنج بخش
- رستگار
- معدی
- صادق کیا
- عزیز رفیعی
- قاسم زاده
- کیهانی
- فاضل زندی
- مینوی ویحی مهدوی
- علی اکبر سیاسی
- مهندس بازرگان
- نگارش دکتر زوین
- یدالله سعایی
- مجتبی ریاضی
- کانون زبان
- نصرالله نیک نفس
- سعید نفیسی
- دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
- دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- تألیف دکتر اسدالله آل بویه
- پارسا

- ۱۵۲ - چشم پزشکی (۲)
نگارش دکتر ضرابی

۱۵۳ - بهداشت شهری
» » اعتمادیان

۱۵۴ - انشاء انگلیسی
» بازارگادی

۱۵۵ - شیمی آلی (ارگانیک) (۲)
» دکتر شیخ

۱۵۶ - آسیب شناسی (کانکلیوت استر)
» » آرمن

۱۵۷ - تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی
» » ذبیح الله صفا

۱۵۸ - تفسیر حواجه عبدالله انصاری
بتصحیح علی اصغر حکمت

۱۵۹ - حشره شناسی
تألیف جلال افشار

۱۶۰ - نشانه شناسی (علم العلامات) جلد اول
» دکتر محمد حسین میمندى نژاد

۱۶۱ - نشانه شناسی بیمارهای اعصاب
» » صادق صبا

۱۶۲ - آسیب شناسی عملی
» » حسین رحمتیان

۱۶۳ - احتمالات و آمار
» » مهدوی اردبیلی

۱۶۴ - الکترونیک صنعتی
» » محمد مظفری زنگنه

۱۶۵ - آئین دادرسی کیفری
» » محمدعلی هدایتی

۱۶۶ - اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)
» » علی اصغر پورهمایون

۱۶۷ - فیزیک (تابش)
» » روشن

۱۶۸ - فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)
» » علینقی منزوی

۱۶۹ - » » » » (جلد سوم - قسمت اول) محدثی دانشپوره
» » » »

۱۷۰ - رساله بودو نمود
» » محمودشاهی

۱۷۱ - زندگانی شاه عباس اول
» نصرالله فلسفی

۱۷۲ - تاریخ بیهقی (جلد سوم)
» » بتصحیح سعید نفیسی

۱۷۳ - فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه
» » » »

۱۷۴ - تاریخ مصر (جلد اول)
» تألیف احمد بهمنش

۱۷۵ - آسیب شناسی آزرده سیستم ریکیولو آندوتلیال
» دکتر آرمن

۱۷۶ - نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانیک
» مرحوم زیرکزاده

۱۷۷ - فیزیولوژی (طب عمومی)
نگارش دکتر مصباح

۱۷۸ - خطوط لبه های جذبی (اشعه ایکس)
» » زندگی

۱۷۹ - تاریخ مصر (جلد دوم)
» » احمد بهمنش

۱۸۰ - سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین
» دکتر صدیق اعلم

۱۸۱ - فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم - قسمت دوم)
» » محدثی دانشپوره

۱۸۲ - اصول فن کتابداری
» دکتر محسن صبا

۱۸۳ - رادیو الکتریسته
» » رحیمی

۱۸۴ - پیوره
» » محمود سیاسی

۱۸۵ - چهار رساله
» » محمد سنگلجی

۱۸۶ - آسیب شناسی (جلد دوم)
» دکتر آرمن

۱۸۷ - یادداشت های مرحوم قزوینی
فراهم آورده آقای ایرج افشار

۱۸۸ - استخوان شناسی مقایسه ای (جلد دوم)
تألیف دکتر میربابائی

۱۸۹ - جغرافیای عمومی (جلد اول)
» » مستوفی

۱۹۰ - بیماریهای واگیر (جلد اول)
» » غلامعلی بینش ور

۱۹۱ - بتن فولادی (جلد اول)
» مهندس خلیلی

۱۹۲- حساب جامع وفاضل

۱۹۳- ترجمه مبده و معاد

۱۹۴- تاريخ ادبيات روسی

۱۹۵- تاريخ تمدن ايران ساسانی (جلد دوم)

۱۹۶- درمان تراخم با الكترولكو آگولاسيون

۱۹۷- شیمی و فیزیک (جلد اول)

۱۹۸- فیزیولوژی عمومی

۱۹۹- داروسازی جالینوسی

۲۰۰- علم الامارات نشانه شناسی (جلد دوم)

۲۰۱- استخوان شناسی (جلد اول)

۲۰۲- پوره (جلد دوم)

۲۰۳- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید

۲۰۴- قواعد فقه

۲۰۵- تاريخ سیاسی و دیپلوماسی ایران

۲۰۶- فهرست مصنفات ابن سینا

۲۰۷- مخارج الحروف

۲۰۸- عیون الحکمه

۲۰۹- شیمی بیولوژی

۲۱۰- میکروبشناسی (جلد دوم)

۲۱۱- حشرات زبان آور ایران

۲۱۲- هواشناسی

۲۱۳- حقوق مدنی

۲۱۴- ماحذ قصص و تمثیلات مثنوی

۲۱۵- مکانیک استدلالی

۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)

۲۱۷- گروه بندی و انتقال خون

۲۱۸- فیزیک ، ترمودینامیک (جلد اول)

۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)

۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)

۲۲۱- حالات عصبانی یا نورز

۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷)

(دستگاه گوارش)

۲۲۳- علم الاجتماع

۲۲۴- الهیات

۲۲۵- هیدرولیک عمومی

۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)

۲۲۷- آسیب شناسی آزردهای سوزناك « غده فوق کلیوی »

۲۲۸- اصول الصرف

۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران

نگارش دکتري مجتهدی

ترجمه آقای محمودشاهی

تألیف « سعید نفیسی

» » » »

» دکتري پرفسور شمس

» توسلی

» شیبانی

» مقدم

» میمندی نژاد

» نعمت اله کیهانی

» محمود سیاسی

» علی اکبر سیاسی

» آقای محمودشاهی

» دکتري علی اکبر ییانا

» مهدوی

تصحیح و ترجمه دکتري پرویز ناثل خانلری

از ابن سینا - چاپ عکسی

تألیف دکتري مافی

» آقایان دکتري سهراب-

دکتري میردامادی

» مهندس عباس دواچی

» دکتري محمد منجمی

» سید حسن امامی

نگارش آقای فروزانفر

» پرفسور فاطمی

» مهندس بازرگان

» دکتري یحیی پویا

» روشن

» میرسپاسی

» میمندی نژاد

ترجمه « چهارزی

تألیف دکتري امیراعلم - دکتري حکیم

دکتري کیهانی- دکتري نجم آبادی- دکتري نیک نفس

تألیف دکتري مهدوی

» فاضل تونی

» مهندس ریاضی

تألیف دکتري فضل الله شیروانی

» » آرمین

» علی اکبر شهبابی

تألیف دکتري علی کنی

۲۳۰- فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)

۲۳۱- راهنمای دانشگاه

۲۳۲- مجموعه اصطلاحات علمی

۲۳۳- بهداشت غذایی (بهداشت نسل)

۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران

۲۳۵- ترجمه‌النهايه بالتصحیح ومقدمه (۱)

۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)

۲۳۷- اصول تشریح چوب

۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلد اول)

۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی

۲۴۰- شیمی تجزیه

۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا

۲۴۲- پانزده گفتار

۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)

۲۴۴- اقتصاد کشاورزی

۲۴۵- علم‌العلامات (جلد سوم)

۲۴۶- بتن آرمه (۲)

۲۴۷- هندسه دیفرانسیل

۲۴۸- فیزیولوژی گل‌ورده بندی تک‌لپه‌ایها

۲۴۹- تاریخ زندگی

۲۵۰- ترجمه‌النهايه بالتصحیح ومقدمه (۲)

۲۵۱- حقوق مدنی (۲)

۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم)

۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)

۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا

۲۵۵- تیره‌شناسی (جلد اول)

۲۵۶- کالبدشناسی توصیفی (۸)

دستگاه ادرار و تناسل - پرده صفاق

۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی

۲۵۸- کالبدشناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل‌شناسی مقایسه‌ای)

۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق

۲۶۰- بیماریهای خون و لنف (بررسی بالینی و آسیب‌شناسی)

۲۶۱- سرطان‌شناسی (جلد اول)

۲۶۲- شکسته‌بندی (جلد سوم)

۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم)

۲۶۴- انگل‌شناسی (بندبایان)

۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم)

۲۶۶- دامپرووری عمومی (جلد اول)

۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم)

۲۶۸- شعر فارسی (در عهدشاهرخ)

نگارش دکتر روشن

—

—

نگارش دکتر فضل‌الله صدیق

➤ دکتر تقی بهرامی

➤ آقای سیدمحمدسبزواری

➤ دکتر مهدوی اردبیلی

➤ مهندس رضا حجازی

➤ دکتر رحمتیان دکتر شمس

➤ ➤ بهمنش

➤ ➤ شیروانی

➤ ➤ ضیاءالدین اسمعیل بیگی

➤ ➤ آقای مجتبی مینوی

➤ ➤ دکتر یحیی پویا

➤ ➤ احمد هومن

➤ ➤ میمندی نژاد

➤ ➤ آقای مهندس خللی

➤ ➤ دکتر بهروز

➤ ➤ زاهدی

➤ ➤ هادی هدایتی

➤ ➤ آقای سبزواری

نگارش دکتر امامی

—

➤ ایرج افشار

➤ دکتر خانابا بیانی

➤ ➤ احمد پارسا

تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی

دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک نفس

نگارش دکتر علینقی وحدتی

➤ میربابائی

➤ مهندس احمد رضوی

➤ دکتر رحمتیان

➤ ➤ آرمین

➤ ➤ امیرکیا

➤ ➤ بیش‌ور

➤ ➤ عزیز رفیعی

➤ ➤ میمندی نژاد

➤ ➤ بهرامی

➤ ➤ علی کاتوزیان

➤ ➤ یارشاطر

- ۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)
- ۲۷۰- منطق التلویحات
- ۲۷۱- حقوق جنائی
- ۲۷۲- سمیولوژی اعصاب
- ۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹)
(دستگاه تولید صوت و تنفس)
- ۲۷۴- اصول آمار و کمیات آمار اقتصادی
- ۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو
- ۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب
- ۲۷۷- مدخل منطق صورت
- ۲۷۸- ویروسها
- ۲۷۹- تالیفاتها (آلکها)
- ۲۸۰- گیاه شناسی سیستماتیک
- ۲۸۱- تیرہ شناسی (جلد دوم)
- ۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی
- ۲۸۳- احادیث منثوی
- ۲۸۴- قواعد النحو
- ۲۸۵- آزمایشهای فیزیک
- ۲۸۶- پندنامه اهواری یا آئین پزشکی
- ۲۸۷- بیماریهای خون (جلد سوم)
- ۲۸۸- چنین شناسی (رویان شناسی) جلد اول
- ۲۸۹- مکانیک فیزیک (اندازه گیری مکانیک نقطه
مادی و فرضیه نسی) (چاپ دوم)
- ۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)
- ۲۹۱- اکوستیک (صوت) چاپ دوم
- ۲۹۲- چهار مقاله
- ۲۹۳- داربوش یکم (پادشاه بارسا)
- ۲۹۴- کالبد شکافی تشریح عملی سرو گردن- سلسله اعصاب مرکزی
- ۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم
- نگارش ناصرقلی رادسر
- دکتر فیاض
- عبدالحسین علی
- چهرازی
- تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیم
دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- نگارش دکتر محسن صبا
- جناب - دکتر باز
- نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمنده
- نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
- فرج الله شفا
- عزت الله خبیری
- محمد درویش
- پارسا
- مدرس رضوی
- آقای فروزافر
- قاسم تویرسانی
- دکتر محمد باقر محمودیان
- محمود نجم آبادی
- یعنی پویا
- احمد شفاپی
- کمال الدین جناب
- محمد تقی قوامیان
- ضیاء الدین اسماعیل بیگ
- بتصحیح محمد معین
- نگارش منشی زاده
- نعمت الله کیهانی
- محمد محمدی

